شناختی از کرد و کردستان

ابراهیمی (شه پول)، محمد صالح

1-شکایت از دوست

زندگی اجتماعی،سیاسی اقتصادی و هنری کرد،تا امروز کم‏تر با روش تحقیق،علمی،بررسی و مطالعه شده است و در این راه ما ایرانیان از هر قوم و ملتی بیش‏تر کوتاهی کرده‏ایم.در حالی که‏ همبستگی نژادی ما را نه ابتدایی و نه انتهایی‏ست.در ازای این‏ همبستگی چه قدمی جهت شناساندن قسمتی از خانه‏ی خود و ساکنانش برداشته‏ایم؟هیچ!-کتاب‏هایی که در این زمینه به وسیله‏ی‏ محققان ایرانی نوشته‏اند،آن‏قدر ناچیز است که در یک کیف‏ دستی می‏توان آن‏ها را جا داد.مجموعه‏ی کتاب‏های کردی و کردشناسی که به وسیله‏ی دانشمندان ایرانی نوشته شده‏اند و در کتابخانه‏ی ما ایرانیان در دسترس عمومی قرار دارد به اندازه‏ی یک‏ قفسه‏ی معمولی نمی‏شود،در حالی که کتابخانه‏ی موجود در اروپا و امریکا بخش وسیعی به کردستان و کردشناسی اختصاص دارد و آن‏قدر کتاب و مجله در این زمینه در آن‏ها دیده می‏شود که ما ایرانی‏ها از دیدن آن‏ها در عین شعف و شادمانی باید به قول حافظ بگوییم:

آن‏چه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‏کرد.

2-ادبیات موجود

بسی جای تاسف است که چنین است ما ایرانیان بررسی و پژوهشی در خور سرزمینی چون کردستان(البته کردستان و مردم کرد غرب ایران نتوانسته یا احیانا نخواسته‏ایم کاری را انجام دهیم.(به تصویر صفحه مراجعه شود) دکتر محمد صالح ابراهیمی(شه‏پول) قدم‏هایی که توسط پژوهندگان و محققان در زمینه‏ی شناخت کرد و کردستان،برداشته شده عبارتند از:

الف-در زمینه ترجمه:1-با این رسوایی چه بخشایشی؟ (تحلیل مسائل سیاسی کردستان)نوشته‏ی جاناتان رندل ترجمه به‏ فارسی ابراهیم یونسی،انتشارات پانیذ؛2-تاریخ معاصر کرد،مک‏ داول،ترجمه‏ی ابراهیم یونسی،نشر نی؛3-روابط ایران و ترکیه و مساله‏ی کرد،نوشته‏ی رابرت امن،نشر پانیذ؛4-قیام شیخ سعید پیران،نوشته‏ی رابرت السن،نشر پانیذ؛5-آغا،شیخ،دولت، نوشته مارتین وان بروئن سن،ترجمه ابراهیم یونسی،نشر پانیذ؛ 6-کردها و کردستان،نوشته‏ی درک کینان،ترجمه‏ی ابراهیم‏ یونسی،انتشارات نگاه؛7-کردها،نوشته‏ی وانلی کندال،نازدار ترجمه‏ی ابراهیم یونسی،انتشارات روزبهان؛8-جنبش ملی کرد، نوشته‏ی کریس کوچرا،ترجمه‏ی ابراهیم یونسی،انتشارات نگاه؛9- کردها،ترک‏ها و عرب‏ها،نوشته‏ی سی،جی،ادموندز،ترجمه‏ی‏ ابراهیم یونسی،چاپ 1376 انتشارات روزبهان.

ب-در زمینه‏ی تالیف،ژنرال احسان نوری پاشا کتاب ریشه‏ی‏ نژادی کرد،به فارسی،چاپ 1332 ش،تهران؛2-نگاهی به تاریخ‏ مهاباد،تحقیق و تالیف سید محمد صمدی،چاپ 1373 ش،انتشارات‏ روهرو،3-نظری به فرهنگ و تاریخ سقز تحقیق و تالیف عمر فاروقی چاپ 1374 ش،3 مونوگرافی سقز تالیف و تحقیق و مصطفی کاوه،چاپ 1370 ش،چهر تبریز؛4-شورشی کردها ترکیه،تالیف و تحقیق کاوه بیات تهران؛5-قهرمان ملت کرد از آغاز تاریخ تا نهضت ژنرال مصطفی بارزانی رهبر کبیر همیشه‏ جاوید ملت کرد،تالیف و تحقیق علامه‏ی استاد محمد سعدی ابراهیمی‏ (آویر)به زبان کردی به نثر و به شعر،چاپ 1382 ش،تندیس نقره‏یی‏ تهران؛6-تاریخ کرد و کردستان آیت اللّه شیخ محمد مردوخ شهیر و نامدار کردستانی؛7-دکتر رشید یاسمی کرماشانی،تاریخ کرد و پیوستگی نژادی و تاریخ او به شیوه‏ی سانسور و با فشار رضاخان‏ تحریر گردیده که خود در آن کتاب اعتراف و عذرخواهی کرده است؛ 8-تالیفات کلیم اللّه توحدی در زمینه‏ی(حرکت کردها به خراسان)در 7 مجلد.

کرد و کردستان

استرابون،کسنفون و منبع ارمنی،طبری،ابن مسکویه،مسعودی، ابن اثیر،ابن خلکان،دینوری و دیگر مورخان اسلامی،تاریخ مدون و روشنی از تاریخ زندگی کردها به دست نمی‏دهند،بعضی از آنان کردها را سلحشورانی خستگی ناپذیر و دیرآشنا و سرسخت و بیابان‏گرد، معرفی می کنند و بعضی دیگر با آوردن داستان‏هایی خرافاتی و افسانه‏امیز اصل و نسب کردها را مشخص کرده‏اند،برخی باگرایش‏ غلط و نادرست،کردان را به اعراب منسوب داشته‏اند.در کتاب‏های‏ اسلامی آگاهی درباره‏ی کردها غالبا یکنواخت بوده و نشان می‏دهد که از یک منبع گرفته شده است،مثلا با مراجعه به کتاب‏های‏ مسعودی متوجه می‏شویم که تا چه اندازه مورخان اسلامی درباره‏ی‏ اصل و نسب کردان بی‏راه رفته‏اند.در هر صورت باید اذعان داشت که‏ از میان نوشته‏های دست و پا شکسته است که می‏توان اطلاعات‏ مفیدی،راجع به تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت اصیل کرد به دست‏ آورد.تاریخ الامم و الملوک طبری و الکامل ابن اثیر را در میان‏ کتاب‏های مورخان اسلامی،می‏توان بهترین و مهمترین منابع‏ اسلامی درباره‏ی کردها دانست؛چه این دو تن در روزگاری می‏زیستند که پهنه‏ی کردستان میدان تاخت‏وتاز گردنکشانی بود که می‏خواستند امرا و سلاطین ملت کرد را مطیع خود سازند.

اطلاعاتی که ابن اثیر و طبری درباره‏ی حکومت‏های مستقل کرد، مانند:حسنویهیان،روادیان،مروانیان،شدادیان و بنوعتاز ارائه داده‏اند، آگاهی‏هیی‏ست که مستقیما اخذ کرده‏اند،بنابراین تا اندازه‏یی‏ امید بخش و مورد اطمینان و اعتماد می‏تواند باشد،در این میان آن‏چه‏ جای تاسف است که در تمامی کتبی که در سده‏های اولیه‏ی‏ اسلامی نوشته شده است گاه به جنبش‏های سیاسی و فرهنگی ملت‏ کرد اشاره رفته است و نام بسیاری از مشاهیر آنان آمده است.ولی‏ هرگز ملیت روشنی به ایشان داده نشده است و آنان را در میان دیگر چهره‏های اسلامی ناشناخته گذارده‏اند؛به قول شاعر نامدار کرد حاجی‏ قادر«له به ربی ده رفته ری و ن بوین وفانی».به طوری که خواننده‏ می‏پندارد،که هرگز نام‏آوری از میان ملت کرد برنخاسته است و آنان‏ همیشه در حال خوش‏نشینی روزگار گذرانده‏اند؛اما ملت کرد قهرمانان‏ بزرگ،اندیشمندان،فیلسوفان،مورخان،ادیبان،مفسران،محدثان، عرفا و علمای فراوانی را در دامن خود پرورش داده است.کسانی مانند سلطان صلاح ایوبی،صلاح الدین بن ایوب بن شادی در مصر و سوریه‏ دمشق حکومت کرده است(1186-1261)و در حلب(1183- 1260)و در یمن(1173-1229).کریم خان زند(حال‏1163 هـ.ق‏ /1750 م)،شیخ اشراق(شهاب)الدین یحی بن حبش سهروردی‏ (549-587 ه.11154-1191)مولف حکمة الاشراق و شهاب الدین ابو حفص عمر سهروردی(ت 632 هـ-1234 م)مولف‏ عوارف المعارف و بغیة البیان فی تفسیر القرآن.

در خدمات،استاد شهید مطهری آورده که سهرورد، شهری‏ست در شمال غربی ایران،اهالی آن کرد بودند،مغول‏ها در جنگ و حمله بر آن،آن را ویران و نابود کردند(ص 14 المنجد در اعلام چاپ 16-لبنان 1982 م)این است که شفیعی کدکنی ادیب و شاعر نامدار معاصر،در یادبود 81 سالگی محمد قاضی مترجم نامدار به شعر گفته:

قاضیا!نادره فردا!و بزرگا رادا! سال هشتاد و یکم بر تو مبارک بادا! فخر تاریخ و تبار همه‏ی ماست ز کرد: شیخ اشراق و نظامی دو تن از اکرادا خان زند،آن‏که چنو مادر ایران کم زاد رستم کرد بد اما نه که فرّخ‏زادا در مقاله‏یی که به مناسبت سالگرد وفات استادم،فقید سعید دکتر سید حسن سادات ناصری استاد دانشگاه تهران در قلم آورده‏ و در کرامی‏نامه‏ی حافظ شماره‏ی 23 نیمه‏ی اول بهمن 1384 با عنایت خاص جناب پروفسور دکتر سید حسن امین به چاپ‏ رسانیده‏ام،از سر غفلت«تصحیح دیوان سلیم کاشانی»را به‏ کوشش استاد سادات ناصری به سهوی جبران‏ناپذیر«با همکاری‏ ادیب و شاعر نامدار معاصر،استاد مشفق کاشانی»قلمداد کرده‏ام.

استاد مشفق کاشانی از راه شاگردنوازی تلفنی نگارنده‏ی این‏ سطور را از این خطای فاحش آگاه فرمودند که این شرم‏زده را زبان‏ تشکر در برابر این کرامت استاد عاجز است.

دیوان کلیم کاشانی گذشته از تصحیح استاد بیژن ترقی و نیز دیوان کامل کلیم کاشانی با مقدمه و حواشی و تعلیقات استاد مهدی افشار و هم‏چنین تصحیح و مقدمه و تعلیقات دیوان‏ ابو طالب کلیم همدانی به همت استاد محمد قهرمان و... تصحیح دیگری از دیوان کلیم کاشانی به کوشش استاد دکتر سادات ناصری و استاد محترم صدری انجام می‏گرفت که با وفات‏ استاد سادات ناصری(14 بهمن 1368)کار ناتمام ماند.

در خرداد ماه سال 1369 در جلسه‏یی که این جانب در منزل‏ استاد سادات ناصری تشکیل دادم،همسر استاد نسخه‏های خطی‏ متعلق به استاد مهدی صدری را با حضور استاد مشفق کاشانی و خانم دکتر نوشین دخت سادات ناصری و خود این جانب به استاد صدری عنایت فرمودند که استاد برابر آن‏چه را که در مقدمه‏ی‏ دیوان کلیم کاشانی صفحه‏ی هشتاد و هفت نوشته‏اند با نسخه‏ی‏ دیگری که به دست آورده‏اند و سایر کارهای انجام شده‏ی خودکار تصحیح را به اتمام رسانیده که به وسیله‏ی نشر همراه در دو مجلد به چاپ رسیده است و نگارنده‏ی این سطور بر لغزش رفته از خود از محضر حضرت استاد صدری صمیمانه پوزش می‏طلبد و از تذکر و دقت نظر استاد مشفق کاشانی از بن جان سپاسگزاری می‏نماید.

نکته‏ی در خور ذکر دیگر این که در کار تصحیح دیوان صائب‏ تبریزی استاد فقید مهرداد اوستا و نیز استاد مشفق کاشانی رأسا شرکت نداشتند و هم‏چنین موضوع تصحیح دیوان صائب را از استاد مستی«علی اکبر کنی‏پور»تلفنی سوال کردم؛ایشان‏ فرمودند:«در این کار خاص با استاد شرکت نداشتم اما در مدت سی‏ و پنج سال دوستی کارهای مشترک دیگری انجام داده‏ام که در نزد استاد بوده و تا کنون به چاپ نرسیده است».ولیکن بخش مهمی‏ از تصحیح دیوان کلیم و هم‏چنین دیوان صائب در نزد خانوده‏ی‏ استاد موجود است،همت قوی باید ادامه کار را و چاپ آن.

از آن‏جا که حفظ امانت نگارش این مهم را دربایست می‏نمود آن‏چه را که نگارنده در خاطر داشت در قید کتابت آورد.